

بررسی وزن عروضی اشعار نادر نادرپور

وحید عیدگاه طرهبه‌ای^۱
تاریخ دریافت: ۸۷/۱۰/۲۹
تاریخ پذیرش قطعی: ۸۷/۱۲/۷

چکیده

نادر نادرپور از برجسته‌ترین نوپردازان روزگار ماست که با سروده‌های سامان و قاعده‌مند خود توانست گام ارزنده‌ای در راه شناساندن و تثبیت کردن شعر نیمایی بردارد. پژوهنده وزن شعر نو از بررسی آثار نادرپور ناگزیر است. نگارنده در این جستار وزن شعر نادرپور را از دیدگاه کاربرد اختیارات عروضی بررسی کرده و دو دوره زمانی متفاوت را در کار شاعری او شناسانده و ویژگیهای عروضی شعرش را با دیگر نوپردازان سنجیده و در پایان فهرستی به دست داده است از وزنهای بکار برده نادرپور و شمار سروده‌های هر وزن.

کلمات کلیدی:

شعر نادر نادرپور، عروض، وزن شعر نیمایی، اختیارات شاعری

مقدمه

درباره شعر نیمایی درین چند دهه ، مقالات و کتابهای بسیاری نوشته شده اما در کمتر نوشته ای به اصول و مبانی این گونه ادبی بطور دقیق و روشمند پرداخته شده است و با وجود همه آثار تحقیقی و تحلیلی عرضه شده ، هنوز در میان خوانندگان عام و حتی خاص ادبیات تصور روشن و دقیقی از مفهوم شعر نیمایی و ویژگیهای اصلی آن و تفاوتهای عمده اش با دیگر گونه های جدید شعر وجود ندارد و این وضعیت در واقع ، تنها برخاسته از کاستیهای آثار تحقیقی و تحلیلی نیست و سبب اصلی آن ، بی نظمی و نابسامانی اغلب نوپردازان ، بویژه خود نیما یوشیج است ، در کار سرودن. برای دست یافت به تصویری درست از شعر نیمایی و شناخت بهتر اصول عمده آن ، نخستین گام ، توصیف عروضی سروده های هر یک از نوپردازان است که نادر نادرپور ، موضوع اصلی این نوشتار ، از برجسته ترین آنان به شمار میرود .



آنچه امروز در تعریف شعر نیمایی گفته میشود ، به لحاظ وزن با سروده های گروهی از پیروان نیما بیشتر مطابقت دارد تا سروده های خود او. شعر نیمایی را شعری میدانیم که در یک زنجیره عروضی امتداد می یابد و همه سطرهای آن از نقطه ای معین و یکسان بر زنجیره عروضی آغاز میشوند و هر سطر می تواند با امتدادی متفاوت با دیگر سطرها در نقطه ای دلخواه از همان زنجیره عروضی پایان پذیرد^۱. برخلاف شعر سنتی در شعر نیمایی تساوی طولی سطرها رعایت نمی شود اما همچون شعر سنتی در آن رعایت نظم و نسبت ثابت و دقیق میان جاهای یک وزن الزامی است. در سروده های نیما کم نیستند قطعه هایی که نظم عروضی

هجاهایشان برهم خورده است و از دایرهٔ تعریف شعر نیمایی یا آزاد بیروندند.^۱ واقعیت این است که نیما همواره روش و روند یکسانی را در پیش نگرفت و کار را به جایی رساند که سیروس نیرو، شعرهایش را به چند دسته «آزاد عروضی نیمایی» و «چند وزنی» و «سپید نیمایی» بخش کرد^۲ و اخوان ثالث هم که چند دهه پیشتر از او در پی توضیح و معرفی و تبیین قالب و وزن شعر نیما برآمد، مجبور بود که بیشتر به شعرهایی از نیما استناد کند که در وزنهای سالم و یا متفق الارکان سروده شده بودند^۳؛ چرا که درین وزنهای نظم و نسبت هجاهای ساده تر است و امکان تصرف و انحراف کمتر. از همین رو نیما در این وزنهای کمتر دچار لغزش شده بود و از میان این وزنهای می شد اصول و قواعدی کلی - با چشم پوشی از استثناهای بسیار - برای شعر نیما استنتاج کرد. چنین است که آنچه امروز با عنوان شعر نیمایی می شناسیم با بسیاری از شعرهای نیما تفاوت دارد و بخش قابل توجهی از شعرهای نیمایی نیما در واقع نیمایی نیست! کسانی چون مهدی اخوان ثالث و نادر نادرپور با سروده‌های آزاد خود کم کم توانستند تصور جامعهٔ ادبی را از مفهوم شعر نیمایی، منظم تر و قاعده مندتر کنند. در کنار این دو شاعرانی چون احمد شاملو و فروغ فرخزاد و اسماعیل خویی هم بودند که چندین شعر موزون بی عیب سرودند اما در میان دیگر آثارشان کم و بیش اشکالهای وزنی و مصراعهای خارج از عروض بچشم می خورد. ازین لحاظ شعر ایشان در مقایسه با شعر نادرپور و اخوان نیمایی تر بشمار میرود! برای نمونه از لغزشهای وزنی فروغ فرخزاد و احمد شاملو میتوان بموارد زیر اشاره کرد:

سطرهای «گویی که تاتاری»، «مفهوم ناگزیر صریحی دارد»، «همچون خداوندی در

۱- موسیقی شعر نیما. ص ۱۰۵ - ۱۰۷؛ ۱۳۸ - ۱۴۰

۲- خوانش شعر نیما، ۸۲-۸۳

۳- اخوان، ۱۰۱، ۱۱۷، ۲۵۶، ۲۵۷

معبد نپال» و «پیوسته خاطرات معصومی را» و... از شعر «معشوق من» و سطر «به ازدحام کوچۀ خوشبخت بنگرم» از شعر «هدیه» و سطرهای «دیدم که حجم آتشینم»، «و آن تشنج آن تشنج مرگ آلود» و «در ماه ماه به گودی نشسته ماه منقلب تار» و... از شعر «وصل» در سروده‌های فروغ فرخزاد از وزن خارجند^۱. زنجیره وزنی شعرهای «وصل» و «معشوق من» چنین است:

... — U — / U — — U / U — U — / U — —

زنجیره وزنی شعر «هدیه» چنین است:

... — — U U / — U — U / — — U U / — U — U

در سروده‌های شاملو سطرهای «هنوز»، «تکرار می‌کردند»، «بر زردی پرشته گندمزاری بال میکشد»، و... از شعر «هنوز در فکر آن کلاغم» و سطر «آنان به آفتاب شیفته بودند» از شعر «با چشمها» و سطر «آهنگ پرصلابت تپش قلب خورشید» از شعر «برسنگفرش» نظم زنجیره عروضی را برهم زده‌اند.

در مقایسه شعر شاملو و فروغ با شعر نیما باید گفت که نیما در وزنهای سالم و متفق الارکان هم گاهگاه دچار لغزشهای عروضی میشد، در حالی که شاملو و فروغ تنها در وزنهای مختلف الارکان گاهی از وزن خارج شده‌اند.

اما در شعر نادرپور و اخوان وزن شعر بگونه‌ای دقیق رعایت می‌شود و خروج از عروض جز در یکی دو مورد به چشم نمی‌خورد. از میان سروده‌های اخوان به جز شعر «نوحه» که آزمایشی است در استفاده از ترکیب وزنها که زنجیره یکپارچه و منظمی را از آغاز تا پائانش دربر نمی‌گیرد، در شعر «دستهای خان امیر» هجای پایانی سطر

۱- در اینجا به آن دسته از شعرهای فروغ که در آمیزه‌ای از بحر مجتث و مضارع سروده شده‌اند و نظم هجایی مشخصی را دنبال نمی‌کنند و در عمل از مقوله شعر نیمایی جدا شمرده میشوند نمیدانیم. یافتن مصراعهای ناموزون و خارج از قاعده شعر آزاد را در آن شعرها نمیتوان ملاک و سنجۀ انتقاد دانست زیرا از همان سطرهای آغازین مشخص میشود که تعهدی به حفظ نظام عروضی شعر آزاد در کار نیست. با اینهمه سیروس شمیسا کوشیده است تا اینگونه شعرهای فروغ را تقطیع عروض کند (شمیسا ۷۶-۹۴).

«این دستهای این همه اطمینان بخش» خارج از وزن است. در میان سروده‌های نادرپور شعرهای «از من تا خورشید» و «مرثیه‌ای برای بیابان و برای شهر» هر یک در دو بحر مجتث و مضارع ساخته شده‌اند^۱ و سطرهای «سستی خوابی که از آن سایه بزرگ تراوید» و «روی همه آدمیان اوفتاد» از شعر «قلب بالدار» و سطر «و پیش می‌آید تا گونه‌های خیسش را» از شعر «چکامه کوچ» و سطر «زمین سقوطش را هرشب به خواب می‌بیند» از شعر «از آسمان تا ریسمان» اشکال وزنی دارند. جز اینها که گفته شد در شعر نادرپور خروج و انحراف از زنجیره عروضی به چشم نمی‌خورد.

در اینجا گفتنی است که در شعر نوپردازان از جمله نادرپور گونه‌ای تصرف عروضی دیده می‌شود که بسامد بالایی دارد و با آنکه ویژه شعر نادرپور نیست در این بررسی وزنی باید بدان پرداخت. شاعران نوپرداز به این نکته توجه نکرده‌اند که اگر چه گفته شده که در شعر نیمایی مکث کردن و خاتمه دادن به مصراع در هر موضع از وزن مجاز است اما مکث در موضع یک هجای کوتاه بر روی زنجیره عروضی سبب از هم پاشیدن نظم هجاها و بر هم خوردن نسبت ریاضی در میان آنها می‌شود^۲. این اتفاق اغلب در دو وزن زیر رخ داده است:

... — U — / U — — U / U — U — / U — —

مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلنُ ...

... — — U U / — U — U / — — U U / — U — U

۱- یدالله رویایی پنداشته است که نادرپور در قطعه «شعر انگور» چند وزن مختلف را بهم آمیخته است. اما این شعر نه تنها یک وزن دارد (تکرار مفاعیلن) و طرز نوشتن مصراعهای شعر، رویایی را به غلط انداخته است. (رویایی، ۳۳۴)

۲- اصولاً مکث بر روی هجای کوتاه آن را بلند میکند. در سنت عروض پارسی نیز از استخراج وزنهایی که به هجای کوتاه می‌انجامد از دوائر عروضی پرهیز شده است (خانلری، ۱۸۷). در عروض جدید نیز در طبقه‌بندی وزنها الگوهای انجامیده به هجای کوتاه را به شمار نمی‌آورند. (کابلی، ۹۱)

مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن فعلاَتن ...

اگر در وزن نخست شاعر بر روی هجای سوم یا پنجم یا هشتم یا یازدهم مکث کند آن هجاها تبدیل به هجاهاى بلند مى‌شوند و در نتیجه نظم ریاضی زنجیره به هم خواهد خورد. در سه نمونه زیر از شعر «برسنگفرش»، شاملو به ترتیب بر روی هجای سوم، پنجم و هشتم مکث کرده است:

- ۱- (روشن‌تر)
 — — —
 — / U — —
 پرخشم‌تر
 — — U / U — U — / U — —
 پر ضربه‌تر شنیده‌ام از پیش
 ۲- چنگ ز هم گسیخته زه را
 — — U / U — U — / U — —
 (یک سو نهادم)
 — — / U — —
 ۳- یاران ناشناخته‌ام
 — U / U — U — / U — —
 (چون اختران سوخته)
 — / U — U — / U — —

در نمونه زیر نادرپور در هجای یازدهم مکث کرده است:

- (آن شب که صبح روشن اندامت)
 — — — U / U — U — / U — —
 از آسمان آینه بر من طلوع کرد
 — U — / U — — U / U — U — / U — —
 (عاشقانه)

چنین تصرفی در شعر اخوان نیز فراوان به چشم می‌خورد و در شعر فروغ هم نمونه‌هایی دارد؛ اما در چهار دفتر نخست نادرپور دیده نمی‌شود و از دفتر «گیاه و سنگ نه آتش» به بعد ناگهان کاربرد فراوانی می‌یابد.

در وزن دوم نیز اگر بر روی هجای ششم یا نهم و یا یازدهم از زنجیره عروضی مکث شود نظم هجاها برهم خواهد خورد. نادرپور از دفتر «گیاه و سنگ نه آتش»

به بعد بویژه در هجای نهم گاهگاه چنین تصرفی کرده است:

(و آسمان سحرگاهان) — — — — — / — — — — —

بسان مخمل فرسوده نخ نما شده بود — — — — — / — — — — — / — — — — —

(نقاب و نماز)

(کسی ز شهر خبر آورد) — — — — — / — — — — —

و دیگر آینه نیروی تند حافظه را . — — — — — / — — — — — / — — — — —

به بی حواسی پیری سپرده است — — — — — / — — — — —

(چکامه کوچ)

دونده رفت — — — — —

دونده تیزتر از باد رفت — — — — — / — — — — —

دونده گوش به فرمان نداد — — — — — / — — — — —

(صفیر تیر طنین افکند) — — — — — / — — — — —

(تن دونده به خاک افتاد) — — — — — / — — — — —

(قصه ای کوتاه)

با نگاهی گذرا بر دیوان شعر نادرپور میتوان دریافت که اختیار وزنی در چهار دفتر نخست شعرش بسیار کم رخ داده و در دفتر پنجم و دفترهای بعدی روند فزاینده ای یافته است؛ بویژه که با تصرف وزنی «مکتب در موضع هجای کوتاه» نیز همراه شده است. در کل ، آن یکدستی وزن مجموعه های نخست در مجموعه های دیگر کمتر به چشم میخورد . برای نشان دادن این دگرگونی ها نمونه وار می توان یک شعر از چهار دفتر نخست را با شعری هم وزن از دفترهای دیگر سنجید تا تفاوت بسامد تصرفات و اختیارات وزنی در هر یک مشخص شود. اینک طرح عروضی شعر «تهران و من» از دفتر «سرمه خور شید» را که در زنجیره

(— — — — — / — — — — — / — — — — — / — — — — —) سروده شده است

با طرح عروضی شعر «خورشید واژگون» از دفتر «شام بازپسین» که هم وزن آن است مقایسه می‌کنیم:

تهران و من

هر صبح، چون زبان تر و خشک برگ‌ها

از نیش ناگهانی زنبور آفتاب

آماس میکند

تهران چو کرم پیر

در پيله‌ای تنیده ز ابریشم غبار

بیدار میشود

دردی نهفته در دلش احساس میکند

هر ظهر، چون زبان تب‌آلود برگ‌ها

طعم شراب تلخ و گس آفتاب را

احساس میکند

من همچو کرم پیر

در پيله‌ای تنیده ز ابریشم خیال

از هوش میروم

شعری نگفته در دلم آماس میکند!

طرح عروضی شعر «تهران و من»

— U — / U — — U / U — U — / U — —

— U — / U — — U / U — U — / U — —

— U — / U — —

— U — / U — —

_ U _ / U _ _ U / U _ U _ / U _ _
 _ U _ / U _ _ U / U _ U _ / U _ _
 _ U _ / U _ _ U / U _ U _ / U _ _
 _ U _ / U _ _ U / U _ U _ / U _ _
 _ U _ / U _ _ U / U _ U _ / U _ _
 _ U _ / U _ _ U / U _ U _ / U _ _
 _ U _ / U _ _ U / U _ U _ / U _ _
 _ U _ / U _ _ U / U _ U _ / U _ _

خورشید واژگون

شب، چون زنی که پنجره‌ها را یکان یکان
می‌بندد و چراغ اطاقش را

خاموش میکند،

یک یک ستاره‌ها را خاموش کرد و خفت.
سرخ‌ی در آسمان سپید سحرگهان
گل‌های ارغوان را بر آبشار شیر

تصویر کرد

بادی، کتاب سبز درختان را

تفسیر کرد

آنگاه، در حریر چمن، آتشی شکفت.
آتش نبود،

بر آب سبز دریا، قایق بود.
 خورشید واژگون حقایق بود
 یا، انفجار عقده تاریکی
 در آفتاب سرخ شقایق بود.

طرح عروضی شعر «خورشید واژگون»

— U — / U — — U / U — U — / U — —
 — — — U / U — U — / U — —
 — U — / U — — / — — U — / U — —
 — U — / U — — U / U — U — / U — —
 — U — / U — — / — — U — / U — —
 — / U — —
 — — — U / U — U — / U — —
 — / U — —
 — U — / U — — U / U — U — / U — —
 — / U — —
 — — — / — — U — / U — —
 — — — U / U — U — / U — —
 — — — U / U — U — / U — —
 — — — U / U — U — / U — —

آشکار است که طرح عروضی شعر نخست بسیار منظم تر از دیگری است و در آن حتی یک مورد هم اختیار عروضی یا تصرف وزنی دیده نمی شود.

اصولاً شعر نادرپور شعری است قاعده‌مند و اصولی که در سراسر آن اغلب نوعی انضباط دیده می‌شود. در مجموعه اشعار او که در انتشارات نگاه به چاپ رسیده است - با چشم‌پوشی از غلطهای چاپی و خطاهای ویراستار و ناظر نابلد آن - لغزش عروضی فاحشی به چشم نمی‌خورد. نادرپور نه وزن را برای حفظ تلفظ درست کلمه می‌بازد و نه تلفظ طبیعی و معمول کلمه را فدای درستی وزن می‌کند. اختیار وزنی در شعر او اندک است و اختیار زبانی اندکتر. برای اثبات این نظر میتوان دو شعر نیمایی هم وزن را از نادرپور و فروغ فرخزاد با هم مقایسه کرد. نمونه‌وار شعرهای «عقرب و عقربک»، «صدای پا»، «پله شصتم»، «سهراب و سیمغ»، «خورشید نیمه‌شب» و «ای زمین ای گور ای مادر» را از نادرپور و شعرهای «در غروبی ابدی»، «فتح باغ»، «تولد دی‌دیگر»، «گذران»، «باد ما را با خود خواهد برد» و «دریافت» را از فروغ که همه در زنجیره (U U / — — U U — — ...) سروده شده‌اند می‌توان بررسید و بسامد اختیارات وزنی و زبانی هر یک را بدست داد. ازین راه مشخص می‌شود که وزن کدام یک از این دو شاعر هموارتر است^۱.

در اینجا برای این که سخن را در درازا نیفکنیم. تنها به نگاشتن طرح عروضی دو شعر ازین دوازده شعر بسنده می‌کنیم تا بدینسان امکان مقایسه و سنجش هر چند مختصر برای خواننده فراهم آید.

خورشید نیمه‌شب

مرد می‌گفت که: — خورشید از آن زاویه خواهد تافت

(نقطه‌ای را به سر انگشت نشان می‌داد)

۱ - ملاک این همواری پرهیز از تصرفات وزنی چون اختیار عروضی ابدال (تبدیل U به -) و نیز تهی بودن از تصرفات زبانی چون تغییر دادن تلفظ طبیعی کلمه‌ها از جمله کشیده‌تر خواندن «و» «که» و نقش نمای اضافه () است.

ما، بدان سو نظر افکندیم:
 نقطه‌ای سرخ، در آقصای مه‌آلوده شب می سوخت
 مرد، می گفت که: — خورشید، ازین پس نه همان بادیه پیمای کهنسال است
 که همه روزه فلق را به شفق می دوخت،
 بل، جوانی است سَهی قدّ و میان باریک
 گندمی موی و طلایی چشم
 که حریری به صفای نمک و نور به تن دارد
 نیمتاجی زده بر گیسو، چون شانه پوپک‌ها
 چکمه‌ای کرده به پا، سرخ‌تر از پنجه اردک‌ها
 اسب می‌راند و، از راه نمی‌ماند
 تا شما را به تماشای جهان خواند
 همه، خورشید جوان را به گمان دیدم
 شو دیدار چنان بود که گرییدیم!...

طرح عروضی شعر «خورشید نیمه‌شب» اثر نادر نادرپور

— / — — U U / — — U U / — — U U / — — U —
 — / — — U U / — — U U / — — U —
 — / — — U U / — — U —
 — / — — U U / — — U U / — — U U / — — U —
 U U / — — U U / — — U U / — — U U / — — U —
 — / — — U U / — —
 — / — — U U / — — U U / — — U U
 — / — — U U / — — U U / — — U —

۱ - گرییدیم بجای گریستیم از جمله موارد انگشت شمار خروج نادرپور از زبان معیارست .

_ / _ _ U U / _ _ U _
 _ / _ _ U U / _ _ U U / _ _ U U / _ _ U U
 _ / _ _ U U / _ _ _ / _ _ U U / _ _ U _
 _ / _ _ U U / _ _ U U / _ _ U U / _ _ U _
 _ / _ _ U U / _ _ U U / _ _ U _
 _ / _ _ U U / _ _ U U / _ _ U _
 _ / _ _ U U / _ _ U U / _ _ U U
 _ / _ _ U U / _ _ U U / _ _ U _
 (...)

تولدی دیگر

همه هستی من آیه تاریکیست

که ترا در خود تکرار کنان

به سحرگاه شکفتنها و رستن‌های ابدی خواهد برد

من در این آیه ترا آه کشیدم، آه

من در این آیه ترا

به درخت و آب و آتش پیوند زدم

زندگی شاید

یک خیابان دراز است که هر روز زنی با زنبیلی از آن می‌گذرد

زندگی شاید

ریسمانیست که مردی با آن خود را از شاخه می‌آویزد

زندگی شاید طفلیست که از مدرسه برمی‌گردد

زندگی شاید افروختن سیگاری باشد، در فاصلهٔ رخوتناک دو
هماغوشی

یا عبور گیج رهگذری باشد
که کلاه از سر برمی‌دارد
و به یک رهگذر دیگر با لبخندی بی‌معنی می‌گوید «صبح‌بخیر»

طرح عروضی شعر «تولدی دیگر» اثر فروغ فرخزاد

_ / _ U U / _ _ U U / _ _ U U
 _ U U / _ _ _ / _ _ U
 _ _ _ / _ _ U U / _ _ _ / _ _ _ / _ _ U U / _ _ U
 _ / _ _ U U / _ _ U U / _ _ U _
 _ U U / _ _ U _
 _ U U / _ _ _ / _ _ _ / _ _ U U
 _ / _ _ U _
 _ _ / _ _ _ / _ _ U U / _ _ U U / _ _ U _
 _ _ / _ _ U U / _ _ U U / _ _ _ / _ _ U _
 / _ _ U U / _ _ _ / _ _ _ / _ _ U U / _ _ _ / _ _ U _
 _ _ _
 _ / _ _ U U
 _ / _ _ U U / _ _ _ / _ _ U _

_ _ / _ _ _ / _ _ U U
 _ U U / _ _ _ / _ _ _ / _ _ _ / _ _ _ / _ _ U U / _ _ U U
 (...)

با نگاشتن این دو طرح عروضی به آسانی روشن میشود که وزن شعر فروغ - دست کم در این وزن و وزنهایی با ساختمان هجایی همانند - بسیار ناهموار است. شعر او سرشار است از کاربرد اختیار عروضی ابدال (تبدیل U U به _ _) تا اندازه‌ای که نظم اصلی و آغازین وزن (تکرار U U _ _) ب‌ندرت در آن دیده می‌شود. خواننده شعر فروغ اگر بخواهد آنرا از وزن نیندازد و درست بخواند مجبور است در بسیاری از موارد به مصوت‌های کوتاه « _ _ » امتدادی غیرعادی و مخالف با تلفظ طبیعی زبان فارسی ببخشد. اما شعر نادرپور دچار تصرفاتی ازین دست نیست و زنجیره وزن و نسبت ریاضی هجاهای آن با ابدالهای پی در پی فروغ‌وار دیگرگون نشده است. طرح عروضی منظم آن، گواه ماست بر چنین ادعایی. آثار نادرپور از نظر وزنی متنوعتر از همانندانش نیست. در همه دیوان او بیش از سی و چهار وزن به چشم نمی‌خورد. این در حالی است که اخوان تنها در سه دفتر «زمستان»، «آخر شاهنامه» و «ازین اوستا» سی چهار وزن را به کار بسته و در همه شعرهای فروغ که شمارشان بسیار کمتر از سروده‌های آن دو است سی و چهار وزن دیده می‌شود. دفتر «گیاه و سنگ نه آتش» از نظر وزن متنوعترین دفتر شعر نادرپور است (نوزده وزن) و در این بررسی میتوان آن را در کنار «اسیر» فروغ (بیست و دو وزن) و «زمستان» اخوان (بیست و سه وزن) نهاد. نادرپور همچون فروغ و برخلاف اخوان، بیشتر به وزنهایی مختلف الارکان یا متناوب الارکان توجه نشان داده است. وزنهایی متفق الارکان در آثار اخوان بیشتر دیده می‌شود. در اینجا برای تکمیل جستجو در وزن شعر نادرپور فهرست وزنهایی دیوان او را به همراه تعداد شعرهایی که در هر وزن سروده است به دست می‌دهیم. با این کار این نکته نیز

ثابت میشود که برخلاف گفته سیمین بهبهانی نادرپور تنها وزنهای رایج و با گوش آشنا را به کار نبسته است^۱.

فهرست وزنهای اشعار نادرپور و تعداد سروده ها در هر وزن

۱. _
 مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ مفعولُ
۲. _
 مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ مفعولُ
۳. _
 مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ مفعولُ
۴. _
 مستفعلنُ مستفعلنُ...
۵. _
 مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ مفعولُ
۶. _
 فاعلاتُ فاعلاتُ...
۷. _
 فعولنُ فعولنُ فعولنُ فعولنُ
۸. _
 مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعولنُ
۹. _
 مفتعلنُ فاعلاتُ مفتعلنُ فاعلاتُ مفتعلنُ فاعلاتُ مفتعلنُ
۱۰. _
 مفاعیلُ مفاعیلُ...
۱۱. _
 فاعلاتُ فاعلاتُ...

۱ - یاد بعضی نفرات ، ص ۸۲.

- ۲۶ . یک شعر _
 فاعلاتن فاعلاتن فا فاعلاتن فاعلاتن
- ۲۷ . یک شعر _
 فاعلاتن فاعلاتن فعلن فاعلاتن فاعلاتن
- ۲۸ . یک شعر _
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع فاعلاتن فاعلاتن
- ۲۹ . یک شعر _
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
- ۳۰ . یک شعر _
 مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن فاعلاتن مفعول فاعلاتن
- ۳۱ . یک شعر _
 مفاعلهن فع مفاعلهن فع مفاعلهن فع مفاعلهن فع
- ۳۲ . یک شعر _
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن
- ۳۳ . یک شعر _
 مفاعلهن فاعلاتن فع مفاعلهن فاعلاتن فع مفاعلهن فاعلاتن
- ۳۴ . یک شعر _
 فاعلاتن مفعولن فاعلاتن مفعولن فاعلاتن مفعولن فاعلاتن

نتیجه

ویژگیهای وزنی سروده های نوپردازان با یکدیگر متفاوت است و اصول عروضی در آثار ایشان به طور یکسان و همانند رعایت نشده است. خروج از وزن در شعر اغلب آنان بویژه نیما و شاملو و فروغ دیده میشود. آثار نادرپور از نظر وزن، از بی اشکال ترین سروده های نوپردازان بشمار می آید. بسامد اختیارات عروضی در دوره های نخستین شاعری نادرپور در سنجش با دوره های میانین و پسین آن، بسیار اندک است. با بدست دادن طرح عروضی نمونه هایی از سروده های نوپردازان پیش گفته، گفته های پیش اثبات میشود.

فهرست منابع

- ۱- بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج. مهدی اخوان ثالث. توکا. ۱۳۶۹
- ۲- خوانش شعر نیما. سیروس نیرو. اشاره. ۱۳۷۹
- ۳- «در پیرامون اختیارات شاعری». ساسان و محمد فشارکی سپنتا. مجله وحید. ش ۹. دوره دوازدهم. بی تا.
- ۴- «شعر نادرپور»، راهنمای کتاب. یدالله رویایی. ش ۴. تیر ۱۳۴۰
- ۵- موسیقی شعر نیما. حمید حسنی. کتاب زمان. ۱۳۷۱
- ۶- نگاهی به فروغ. سیروس شمیسا. مروارید. ۱۳۷۲
- ۷- وزن شعر فارسی. پرویز خانلری. توس. ۱۳۶۱
- ۸- وزن و قافیة شعر پارسی. تقی وحیدیان کامیار. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۷
- ۹- وزن‌شناسی و عروض. ایرج کابلی. آگه. ۱۳۷۶
- ۱۰- یاد بعضی نفرات. سیمین بهبهانی. البرز. ۱۳۷۸